

پنججاه و سه نفر

خلیل ملکی میگفت که دکتر بهرامی دوباره مرگ کمی فکر کرد و بد گفت: (اهمیت ندارد، برای خودشان بد است)

وقتی متوجه شدند که صحبت از مرگ و تیر باران نیست و فقط شلاق در کار است، خوشحال شدند، سرهنگان و رئیس زندان و سرهنگان-ش رئیس تفتیش در موقع شلاق زدن حضور داشتند.

ملکی میگوید سرهنگ رئیس تفتیش از من پرسید شما غذا بصورتی که الان غذا خوردن را شما یاد میدهم، و هنوز جواب مرا شنیده که من غذا بخورم و در احتیاج شرکت نکردم و اعصاب غذا پس از انتظار من بزندان موقت آسمان شده است، منرا شلاق زدند.

دکتر بهرامی میگفت « من وقتی دیدم که رئیس تفتیش نیز در موقع شلاق خوردن من حضور دارد، تعجب کردم » و علت تعجب خود را برای من چنین نقل کرد:

« این مرد مریض من بود، من او را از مرگ نجات دادم، این نامرد آفتاب خرافات نداشت که در موقع شلاق زدن من خود را نشان ندهد و افلا تظاهر کند که از این واقعه بی خبر است.»

این سرهنگ در عین حال همسایه من است. دو روز پس از مرخصی ما همین سرهنگ با وجدان از من خانه ما عبور کرد و همینکه دید که کسان من خوشحال هستند و از خانه بیرون میآیند بلند، بطوریکه دیگران نیز بشنوند گفت: الهی شکر، الهی شکر، الهی شکر مرگ بر من شرک است که این بی گناهان مرخصی شده اند...»

روز پنجشنبه هم هنوز زندانیان گریه و در و چهار دست از احتیاج غذا بر نداشتند و بالا خره احتیاج خود را با وجود یک ساعتی از آنها از جمله قدره و خلمه ای صحت صدمه دیده بودند و نشکستند تا آنکه زندان مجبور شد ابرج (سکنبری را از گریه هفت پیش آنها برستد و به آنها اطمینان دهد که اکثر زندانیان گریه هفت غذا خورده اند آخرین فرات گریه هفت روز شنبه دست از احتیاج غذا برداشته اند.

راجع باین احتیاج غذا و تاجیبی که از آن گرفته شد، فرات دست پنجاه و سه نفر و ابر زندانیان سیاسی نظریات مختلف دارند و من نظریه خود را چون جنبه اجتماعی دارد، نقل میکنم.

در این مبارزه ما شکست خوردیم، اما شکست بدین معنی که بدین تسلیم شدیم بلکه ما میبریم که برای مبارزه با دشمن فداکارمان دستگیر حکومت و رضا شد، این میباید ترکت و میگذازد بآپ بود.

و این شکست ما چندین علت داشت. این احتیاج گرسنگی هفت میدیده ای نداشت. دوما مبارزه ای لازم است مبارزه کنندگان همه ای را مابین خود احتیاج کرده و اداره مبارزه را بعهده آنها واگذار کنند و دستور های این هیئت برای کلیه افراد مطاع باشد، در صورتیکه این امر برای ما زندانیان سیاسی که دو کربو های دور از هم زندگی میکردیم تا جدی غیر میسر بود.

بلاوه تصمیم بصمیم احتیاج گرسنگی اگر چه مدتها بود که در نظر همه ای از جنبه و سه نفر و زندانیان سیاسی دیگر پرورانه میشد، ولی پس از توهمین به ملکی بطور ناگهانی و بدون مقدمه اتفاق گردید. ما فرات آرا نداشتیم که بیشتر در این موضوع با یکدیگر بحث کنیم و هفتصد مبره ای احتیاج کنیم.

بلاوه تازه اگر فرصتی هم داشتیم باز احتیاج هفت بصورت کار آسانی نبود زیرا هیئت مدیره اگر از افراد گریه هفت احتیاج شده بود، نمیتوانست با اطلاع و احوال گریه و دو و چهار را که از آن بکلی بی اطلاع بود و با اطلاع بسیار ناقص در دست داشت در نظر بگیرد، روی آن قضاوت نماید و احتیاج همه ای از افراد گریه هفت و همه ای از افراد گریه دو و چهار در صورتیکه آنها فرصت مشورت با هم نداشتند نیز حلی نبود.

از این جهت مشاهده شد بعضی اینکه زندان در هر از پنجاه و سه نفر و زندانیان سیاسی دیگر را که سرگرده این احتیاج تصمصی داده بود و در واقع آنها نیز مانند سایر احتیاج کنندگان بودند و هفت صمیمی، همه نداشتند بزندان موقت منتقل نبود، بزرگی از زندانیان سیاسی رخ داد و هر یک از دیگری بیخبرانه چه باید کرد.

در احتیاجیکه همه مرگ همه ای از افراد میروند، لازم است که بوضع تصمصی جدی اتخاذ شده و این تصمصی فوری بوضع اجرا گذارده شود.

فرض کنیم که این احتیاج گرسنگی ۱۵ تا ۲۰ روز طول بکشد، به طور یقین از روز پانزدهم بیه یکی دو نفر میمیرند، در اینصورت هیئت مدیره لازم بود با عزم واضح تصمصی بگیرد که آیا امید موفقیت میروند و باید این دو نفر را قربانی کرد یا اینکه غیر، چاره ای نیست و باید از مبارزه دست برداشت.

انتخاب از رساله آندره-سیمون

اقتباس احمد داراب

(من هم میمانم)

پنجمین شکست جمهوری موم

قدمت چهارم - نخستین گام ارتجاع

ولی تظاهرات دست جمعی کارگران و زنان واجد در تمام کوبهای کارگران مانند آتشی شعله ور گشت کارگران بدون داشتن هیچگونه احتیاط دفاع خود بسلامت بساختن مواضع و سنگرها نبودند از سیمه صبح صبح گلوله های تفنگ و مسلسل پلیس ما آغاز شد کارگران با تیر تیر سنگ از خود دفاع نمیدادند. بنا بر اخبار رسمی طرفین در آن روز متجاوز از دویست تن کشته و زخمی دادند و در حدود هزار نفر در یارین توفیق شد.

مخالف رسمی سنی داشته بوسیله انتشارات کتب ملت پروغاله را از گردن خود ساقط نموده (تبریکات و هدیه بازی آژان های خارجی) جلوه نموده و از همان روزگه (تیلیان میگانه) و ده زبان نام جرانه دست راست پاریس شد پس از سه روز در اکثر شهر های نیمه فرانسه احتیاج صوری کارگران آغاز شد بنا به اخبار موثق صد درصد کارگران مومست حیاتی کشور از قبیل پست و تلگراف مملون - و آگهی الکتریکی انوبومی ترن زیر زمین دست از کار کشیده بودند کارگران صنایع مهم نیز با احتیاج کنندگان هم آواز شدند ولی کارگران

میهن از نظر ژان ژاک روسو

« تا اصول عدالت و دادگستری، مساوات و برابری، آزادی و برابری در کشوری مراعات نشود تضایق میهن دوستی از توده آرزوی خالی است »

کشورزی نهی بارگانی می شود در نتیجه خوب اداره نشدن وجوه دولتی و یا خواری و میاملات پولی لزوم پیدا می کند بالاخره رشوه خواری کارش بجای می رسد که مقام و شخصیت را با طلا تشخیص می دهند و حتی فضائل را با پول می توان خرید اینها اینک ترین علل توانگری و بی توانی، ترجیح منافع شخصی بر منافع عمومی، کینه مردم نسبت یکدیگر، بی اعتنائی آنها نسبت بنظور مشترک، گرسامی و فساد توده و ضعیف تمام اختیارات حکومت می یافته اینها نیز همانی هستند که پس از بروز درمناشان بسیار دشوار است اما یک اداره صحیح و جلاله با رفتار خوب آن قوانین با ایجاد عشق بوطن و اجرای نیات میهنی می تواند از بروز آن جلوگیری بعمل آورد.

۰۰۰ موعارضی که از ملت دریافت می شود دو نوعه قسمتی از آنها خبیثی هستند که از اشیاء دریافت می شوند و قسمت دیگر شخصی هستند که از افراد اخذ می گردند و هر دو یک از آنها را کلی مالیت و کلی اعانه می نامند و قسمتی ملت بیل خود مباحی می دهد اعانه است و وقتی مطابق نرخ رسمی می پردازد مالیت در کتاب روح قوانین می خوانیم که مالیت گیری از هر فرد بوجه پردگسی و هودیت و نرخ واقعی با آزادی بیشتر مناسب می باشد و این موضوع در موردی که سهام مالیاتی افراد مساوی باشد. کاملاً روشن است زیرا هیچ چیز بی تناسب تر از چنین نوعی نیست اساس آزادی در رعایت دقیق همین نسبتهاست

ولی اگر نرخ سرشاری با وسایل افراد دقیقاً متناسب باشد (مانند چیزی که در فرانسه کاپیتالیون نامیده می شود) عادلانه ترین و بالتبع مناسب ترین چیز ها برای مردم آزاد است.

در وهاول مراعات این نسبتها خیلی آسان بنظر می آید ولی باید با زندگی فردا احتیاج متناسب باشد و علاوه بنظور نیست و اعلاهی ما همیشه عمومی هستند خست، سیرکاری، قلب و قجاجان بطور آشکارا از بازخواست معاف می مانند بنظر می توان همه عوامل لازم را در این حسابها رعایت کرد اولاً باید نیست کسی را مراعات نموده بدین معنی که با همه شرایط مساوی آنکه عمرتبه غنی تر از دیگری است باید در مرتبه بیشتر از او پردازد.

دوم باید نسبت منصف را در نظر گرفت یعنی احتیاج را از ملزادینتر داد کسی که فقط احتیاج زندگی خود را داراست اصولاً باید چیزی پردازد زرخ که برای شخص مزایه دارد وضع می شود در صورت لزوم ممکن است شامل تمام آنچه زیاد از مصرف است بشود در مقابل این امر ممکن است شخص اعتراض کند که آنچه برای شخص یابین تر و فرموا تر زیاد است برای حفظ شان و مقام او لازم و ضروری است اما این ادعا کلیتاً و دروغ معض است زیرا با یک شخص هالیرتبه مانند یک گلو جوان دویا با یک شکم دارد.

بلاوه آنچه چیزی که قبول خود او برایش ضروری است آفتور ضرورتش برای مقام او کم است که اگر برای منظور قسمتی از آن چشم پوشی احتیاج بیشتر خواهد شد بوجه در برابر وزیر که نظر احتیاج فوری کشوری کالسه خود را فروخته و پیمان بوزارت خانه میروند سر تنظیم فرودخانه آورد بالاخره قانون اجازه تجمل بیچسب نمی دهد و هرگز خوشن داری دلیل بر مهم حفاثت نیست.

سومین سببی که باید پیش از همه مورد توجه قرار گیرد و اتفاقاً کمتر نظر اشخاص را جلب می کند نسبی است که هر کسی از احادیه اجتماعی بر میگردد این تشکیلات تمام قوا دارای های می شار و فنون از اندازه دولتندان را زیر حایث میگیرند حال آنکه رنجبر مسکین با زحمت بسیار می تواند اجازه حاصل کند تا از کلبه محقری که با دست خود ساخته بهره مند گردد.

آیا تمام مزایای اجتماعی متعلق بباویا و توانگران نیست؟ آیا ما ملل بر منصف متصصراً باینا واگذار نگردید است؟ هر نوع امشای همه اگر چه منصفیت در مورد آنها ملحوظ نیست و آیا اگر شمس صاحب مقام مال ملاکاران خود را زیر پا کند یا هزاران غمخ و تیرنگ دیگر بکارزنده در حال از عدم تمیق و بیجرات اطمینان نیابد؟ خیریت ثلاثی که او بر تن لغت مردم بچاره میزند زورگویی مالی که نسبت بضعافرا می کند و حتی قتلها و جنایاتی که او مرتکب میگردد جزو کارهایی نیستند که کسی بروی مبارک خود نمی آورد و پس از شش ماه اسلام موضوع آنهم از میان می رود، ولی اگر مال همین شخص را کسی دیگری سرقت کند فردا پلیس بتکاپ و جنبش و جوش می افتد آنوقت سواهی بحال آن مرد بیگانه که مامورین شهرهای نیست باز ظنیش شود!

موسسات راه آهن - توزیع آب - گاز و برق طبق دستور رهبران احتیاج کسان مشغول کار بودند.

کابینه دومرک از این احتیاج دست جمعی وظلمت آن بی نهایت بیستاک شد در همان روز زحلی حزب کویست و سوسیالیست طرفداران خود را بطور جدا گانه برای دادن نایش دعوت کرده ولی رفته رفته پیروان هر دو حزب در شکل جوان سنی گرد هم آمده آغاز سخنرانی نمودند. پس از اتمام بیستاک سیل عظیم توده که متجاوز از یکصد هزار نفر بود برای دادن نایش در کوچه های پاریس حرکت کردیم محافل دولت از عظمت این نایشی دست جمعی کارگران پاریس حالت و بیصورت شده بودند.

پس از اختلاف نظر شدید که در سال ۱۹۲۲ بین فرقه کویست و سوسیالیست پیدا شد رابطه این دو فرقه باهم قطع و دوازده سال تمام حنک و ترواح بین آنها سیکسریا بود و پس از ۱۲ سال مرتبه اولی بود که دو فرقه نامی فرانسه بطور مشترک نایش میدادند. دومرک روز دوم احتیاج حکامان خود آمده ناری و بیلاوال را از نزد خود احضار و مدتی با آنها مشاوره نمود. آقایان تصمصی گرفته درامر تجدید نظر در قانون اساسی احتیاط و عزم رایشه خود قرار دهند دومرک و شورون اوتوریتور میگردد استفا بدون مقدمه دلادیه و تظاهرات قدرت و بیرومنی دست ملبس جنگنده ملت فرانسه را مرعوب خواهد نمود ولی اتحاد و نیت برای عزم واضح توده و حشکش فرانسه در راه مبارزه بر علیه ارتجاع موجب شکست می یابان این آقایان شومستی اگر پارلمان هم حاضر بقبول شده «اصلاحات» دومرک بیفک ملت فرانسه ممکن نبود بدون سبیلزده قطعی جهت از مومگراسی

سخنرانی اردشیر در کنفرانس نمایندگان دهقانان آذربایجان

۴ -

شمار سوم: بانک کشاورزی و نظر باید بهمانهایی پولدار و پرمایه کسک کند بلکه باید بهمانهایی بی چیز نیز مایه دهد تا آنها خوانند برای خود وسایل زندگی و کار تهیه کنند شمار چهارم در باره میهن فروش است.

در دعوات جهانبها فرضی باراب دارنه سال سال ربع این فروش بقدری میرسد که زارع ناگزیر سیم خود را از محصول باراب در قبال آن ربع تقسیم میدارد و خود گرس می نشیند. آیا تصور نمی کنید که بین ترتیب دهقانان نیست و نابود خواهند شد!

بسیاری از دهقانان ازدهمهای خود فرار می کنند بایشی دولت در این اوضاع تبعیدیه نظری کند آیا شا تصور می کنید که این وزیران و با این نمایندگان مجلس بدین حرفها گوش بدهکاری دارند آیا ایدا در این اندیشه هستند که بدانه دهاتی چه ذات می کشد - در دوره و سخنان بعضی ملاکین بر روی این امر که دیگران را زور به تب می رسانند.

این املاک نیز باید از غاصبین آن بی گرفته شده بصاحبانشان مسترد گردد. ۶ - در ایران مناسبات ارباب با رعایت یکسان نیست. در بعضی جاها از ده فست چهار سهم از آن اولیست و در بعضی جاه ۵ قسمت سه قسمت. بایشی مجلس قانونی وضع کند در این باره ترتیبی بجهت مطابق اخباری که زارعی می دهند معلوم میشود که ارباب ملک هر یک برای خود اسلحه ای تهیه کرده اند بایشی ترتیب این اسلحه را چه کسی بآنها میدهد و برای چه میدهد. در ملک دمکراسی اسلحه باید در دست دولت باشد در دست افراد - چرا جمع آوری نمی کنند؟

۷ - مطابق اخباری که زارعی می دهند معلوم میشود که ارباب ملک هر یک برای خود اسلحه ای تهیه کرده اند بایشی ترتیب این اسلحه را چه کسی بآنها میدهد و برای چه میدهد. در ملک دمکراسی اسلحه باید در دست دولت باشد در دست افراد - چرا جمع آوری نمی کنند؟

کارگران کارخانه شماره ۵۸

آقای مدیر محترم نامه ملی رهبر - اینجانبان کارگران کارخانه شماره ۵۸ که برای احقاق حق خود و نظم بوزارت خانه مربوطه رفته و در موضوع یکبار پادش و شکایات دیگر خود نظر اولی امور وزارت خانه را جلب نمودیم پس از بازگشت به کارخانه معلوم شد به شغلی دستور داده اند بمانند ندهند یکسب کرده

خواهیم و فرماده تصمصی قسمت کالچوک با کمال وقاحت کارگران قسمت کالچوک را در زیر مشن و سبلی و لنگه در آیدند چنانکه آیدند اشخاص متصصن را جاری ساخته اند استعفا داریم این امر را احتیاج کنیم.

سوال ما اینست که ۱ - چرا یک نفر همس نصیل کرده به قانون ملکتی پشت پا زده و کارگران را بجز اینک احتیاج حق خود را

نموده اند شکسته نموده است. ۲ - چرا باید کارگری که برای حفظ شرافت خود هرگز زسنی در مشنل میشود شب با عااله خود گرسه خوابد ۳ - چرا حال که یکسک بپاداش پرداخت شده در برابر افرای خصوصی از آن محروم نموده اند. ۴ - پدر از همه چرا برای تهیه کارگران تا بچال دو نفر را اخراج نموده و برای عده دیگر هم مشغول نشه شده می باشد.

بدینوسیله نظر اولی امور را جلب نموده استعفا می نمایم امر و مقرر فرمایید که پاداش دیگر کارگران این کارخانه را که محروم مانده اند پرداخته و اخراج شده کارنا دوباره به کار بگذارند کارگران کارخانه شماره ۵۸

چاپخانه فرهنگ

خیابان فرائیل شماره ۱۰۲

کلیه سفارشات را قبول مینماید

بر داد و بهر قستی بود از اقامه آن دفاع نمیکرد. دومرک باتوجه باوضاع احوال توده مسم گشت نشه را که کمتر بود موقع معرفی به پارلمان بینهاد کند معوق گذارده کابینه اش والیاس تزویر «صلح دهنده بین احزاب» جلوه و حضور پارلمان وسلا معرفی نماید. خلاصه اینکه اولین کوشش دومرک برای برقراری رژیم و شیزم در فرانسه بلا تشیه مانه. کابینه دومرک دارای ۳۴ وزیر بود که فقط شش نفر آن منصب به حزب رادیکال سوسیالیست بودند.

در موضوع از بین بردن اصول دمکراسی و پارلمان فرانسه تمام اعضاء ارتجاعی کابینه دومرک وحدت نظر داشتند ولی دوسرانتخاب راه و وسایل و طرز عمل بین آنها اختلاف نظر بود. مثلا تارديو وزير مشاور متصفه بزرگم اسنالی شی بزرگم نفاستی ایتالیا بود ولی در عین حال سوانگی که از طرف یوانکاره و کلاسو دوسالیست فرانسه یادگار مانده بر طرفدار سیاست مترضانه نسبت با آلمان بود برعکس بیروال وزیر مشحرات متصفه بود که استقرار رژیم نفاستی در فرانسه بایشی مبثی بر دوستی بین فرانسه و آلمان و ایتالیا باشد. چنه روزی سه از تشکیل کابینه دو پاریس انتشار یافت که آدابها تقاضا دارند تمام افراد ارتششارا بصد هزار برسانند و کابینه هم تحت فشار انگلستان در شرف موافقت است. پس دران لاول همه جاتیلع میگرددند که حل این موضوع صلح جهان را بین خواهد کرد. رهبران دست (چنگویریکان قدیم) بین مردم انتشار میدادند که هینتر تصمصی دارد آن قسمت از کتب «بهرمن» را که برای فرانسه مومن است خلف ناپه و حتی دستور چاپی چه به این کتاب را نیز داده است

بینه از صنف اول
های خود را از آنچه که برود اند انباشته
اند حالا دیگر کافی است - حالا کمی
م به احوال مردم، که در کنار دیوارها
با نکت و مرض، و بریان و گرسه، با
نهایت خوری و بدبختی جان میدهند
بیانیدند و نگارید که بیش از این توده
از فشار بی‌چیزی و سختی ماش دستخوش
زوال شود حالا کمی هم با بنایم وظایف
خود بپردازید بر علیه احکام مبارزه
کنید، ترخها را تئیت نیناید، دست
سخت بازان را از بازار کوتاه سازید،
جمع آوری و توزیع محصول را در تحت
قاعده منظم در آورید، در بهبودی امور
حل و نقل کوشی کنید و بهر ترتیب
هست تا تکتیک که واقعا بدبختی سال
۱۳۳۲ نتیجه بی‌سهری آسان بوده است
به سستی شما، ما مردم ایران حاضریم
سوابق اهل شما را تا ندیده انگاریم
بشرط آنکه شما نیز شیوه گذشته، دستور
انداخته برای انجام مسئولیت خطیری
که بر گردن دارید سپیانه ندا ستاری
نمایند.

از راه فلسطین به
یوهانسبورگ

بینه از صنف اول
اما مهتر از همه اینکه میگویند
یعنی از آقایان چون خیلی آب وهوای
گرم عربستان بیواشان ساخته است
خیال سفر افریقای جنوبی افتاده بواشکی
رو بسوی یوهانسبورگ زده اند چاک ا
گرویا بشودن چه خوش بود که آریسک
کرشود و کارایش خودشان فکر کرده اند
که خوب حالا که تا اینجا آمدیم بگذار
یک سره، هم بیاروزده ودلش را بدست
آورده باشیم روزگار استغایه بکمرته
برگشت.

بهر حال مثل قبلی که هوای هندوستان
پسش زده باشد بکمر دهن بار دیرین
افتاده و راه را گرفته اند ا
امانه اینجناب آغاها آقدر سیاستدار
تشریف دارند که باین سرفهای بوج اهمیت
نیدهند و سخا یک نقشه ریخته یک کتری
کرده اند و یک کاسه زیر نیکیه شان
هست یکی میدانه شاید پیش خودشان خیال
کرده اند که خدا را خوش بنیاید که موفرا از انواع
بزرگ (ایران) که مردودشان در حال تئیتند
سر چیز های جرمی میانشان شکر آب باشد
و مطایب و طیفه نایندگی که دارد، بکفر
اصلاح ذات البین افتاده و خواست اندیده
از بیست سال ولی نیست قدیمی خود را با
سیداشتی دهند ا

شاید از لحاظ ایران پرستی که دارند
تخصیص داده اند برای اینکه ایران از
قائله ترقی عقب نماند بازم کودتای سوم
سخت دیگر لازم دارد و ملایه اندازار
و لوازم آنرا اگر چه رنگ زده از بیست
القدس و یوهانسبورگ جمع آوری نمایند
سنگین است سید قبول نگرفته است که
بدون همکار سابق خویش خاک ایران را
بقوم خود مزین فرماید و گفته است در
کابینه من حشا باید رضا شاه عهد دار
وزارت جنگ باشد و الا نقشه های من
بینه کاره خواهد ماند و کسی نخواهد بود
که آنها را انجام دهد ا

خدا میداند چه نقشه هایی از کارگاه
سیاستداری این آقایان نمایندگان ملت
دوست که فلا در صدها کیلو متر آنطرفتر
از مرزهای کشور ما مشغول تئین مقررات
آن هسته بیرون خواهد آمد! خدای
داند چه آش روغن داری اینده این
اشیز های ماهر میخواهند برای ما
بیزنه و حلقوم این ملت بدبخت بیرونند
خ- جوین

خبرهای کشور

قدیم استوار نامه

ساعت ۱۰ صبح امروز آقای
(ژرف م. کادئس) وزیر مختار
چکوسلواکی با تعلق وابسته نظامی خود
با نشریات لازم در کاخ کستان
حاضر و استوار نامه خود را تقدیم نمودند
در کاخ ایضی
آقای کیسی وزیر انگلستان که بر بروز
بهران وارد شده اند دیروز در ساعت
نه با تعلق وزیر مختار انگلستان در کاخ
ایضی ملاقات از آقای نصرت وزیر نودند
و راجع بکار های فولتین مذاکراتی
بجمل آمد.

رئیس اداره تبلیغات
دیروز ساعت نه با مداد آقای
رهنا معاون پارلمانی نصرت وزیر
در جلسه ای که از تمام کارمندان اداره
کل انتشارات و تبلیغات تشکیل شده
بود آقای دکتر مصباح زاده استاد دانشگاه
رأیست ریاست آن اداره معرفی کردند
فوت
پیش از ظهر دیروز آقای دکتر حاضمی
مدیر کل وزارت کشاورزی پس از هشت
روز کسالت بر سر تیوس برودر گذشتند
در دبیرستان اتحاد
تقسیم سالانه البسه بدانش آموزان
بی بضاعت دبیرستان اتحاد روز دو شنبه
۲۲ فروردین ساعت سه بعد از ظهر انجام
گرفت ۲۸۲ دست لباس و ۲۱ جفت کفش
به پسران و صد مانتو و ۲۲۵ رویوشو
۱۵ جفت کفش بدختران تقسیم شد
طی جشن کوچکی که توسط دانش
آموزان برپا شد به سرودها و رقصهای
بلاستیک و حرکات ورزشی با نهایت طراقت
و زیبایی توسط دختران کوچک و پسران
انجام گردید.

فراکسیون آهوان ملی
دیروز پیش از ظهر فراکسیون تعاون
ملی ریاست آقای صدر در مجلس شورای
ملی تشکیل و مدتی مذاکره جریان داشت
کمیسیون ترابری و مرخصی
پیش از ظهر دیروز کمیسیون ترابری
و مرخصی مجلس شورای ملی تشکیل
یافت و مرخصی چند نفر از آقایان نمایندگان
مطرح و تصویب رسید

رئیس تبلیغات
دیروز صبح ساعت نه جناب آقای
رهنا معاون پارلمانی نصرت وزیر آقای
دکتر مصطفی مصباح زاده استاد دانشگاه
خوق رئیس جدید را به تروسو کارمندان
آن اداره معرفی کردند
ورود تهران
آقای تدین وزیر خواربار که برای
رسیدگی بمسور خواربارو تأمین احتیاجات
آذربایجان رفته بودند دیروز عصر به تهران
وارد شدند.

نظارت در کارهای شهرانی
آقای دادستان شهرستان تهران برای
نظارت در امور شهرانی و برای اینکه
بدون جهت مانده سابق مدتهای زیادی
اشخاص منعم و غیره بی سبب در زندان
نمانند آقایان دادیاران ذیل را که در دادسرا
مشغول انجام وظیفه بودند به ضعیفای اداره
اکلمی مامور نموده اند.

برای نظارت در کارهای ششهای
اول و دوم و سوم آقای شهنودی برای
شبه های چهارم و هفتم آقای فاضل و
برای شبه پنج آقای غفاری و ششهای
شش و هفت آقای رشاد مامور شده اند
که سه روزه در شب نامبرده حاضر
و در امور آن شب نظارت کامل بعمل
آورند و نیز آقای آرومی مامور شده
اند که زندان های شهرانی را تحت نظر
گرفته و از مسلط شدن بدون جهت تئین
جلوگیری بعمل آورند که از شوج امراض
گوناگون هم در زندان جلوگیری
بجمل آید.

رسیدگی بشکایات
طبق دستور آقای وزیر بازرگانی
و پیشوای کسب و کاری مرکب از اعضای
برجست آوزارت ریاست آقای دکتر

شیخ رئیس اداره آموزش و هنرستانها
تشکیل و باصفهان اهرام شده است تا
شکایت کارگران کارخانه ها رسیدگی
نموده و اقدامات لازم را در باره رفع
نگرانی آنان بعمل آورد.

حضور در اداره بازرسی
بر بروز پنج به از ظهر آقای
اعتبار وزیر کشاورزی با اداره بازرسی
آوزارتخانه رفته و با حضور هیئت
بازرسی که در آن اداره مشغول رسیدگی
بیرونده ها میباشند بقستی از بیرونده های
مترام اداره بازرسی رسیدگی نموده و
در نتیجه رئیس آن اداره را از خدمت
معاف نموده و آقای بزرگ بیات را که
چندین سال سابقه در وزارت کشاورزی
دارند بر ریاست اداره کل بازرسی منصوب
نموده اند.

تأمین خوار بار کارمندان
دولت
برای تأمین خوار بار و احتیاجات
ضروری کارمندان دولت از طرف آقای
نصرت وزیر دعوتی از کلیه معاونین -
وزارت خانه ها شده که روز پنج شنبه
۲۵ فروردین در کاخ ایضی حضور بهم
رسانیده و مطالبات شایسته تاهر چه زودتر
وسایل آمایش کارمندان دولت را
فراهم سازند.

والی بال اصفهان
در سابقه های والی بال اصفهان
آموزشگاهها ۲۴ دست بنماده ۴۲۵ نفر
که ۱۲ دست آن خردسال و ۱۴ دست
کلاس اول و ۸ دست دانشجو بوده اند
حرکت کرده و اولین مسابقه در روز
۲۳ اسفند شروع و مسابقه نهائی آن
۲۵ فروردین در کاخ ایضی حضور بهم
رسانیده و مطالبات شایسته تاهر چه زودتر
وسایل آمایش کارمندان دولت را
فراهم سازند.

امتیازهای جدید دیروز نامه ها
در جلسه اخیر شورای عالی فرهنگ
امتیاز این پنج روز نامه تصویب رسیده
است.
روزنامه نبرد امروز صاحب امتیاز
و مدیر و سردبیر آقای جهانگیر تقی
روز نامه آزاد صاحب امتیاز و مدیر و
سردبیر آقای عبدالقادر آزاد.
روز نامه شع صاحب امتیاز آقای
معبود فرهاد معتمد مدیر و سردبیر آقای
دکتر حسن وزیری
روزنامه اشتر در شیراز صاحب
امتیاز و مدیر و سردبیر آقای مصححین
اشتر.

روزنامه نسیم شمال
بکشفیه منتشر خواهد شد
۱-۲

نامه رهبر
ارسمان مرکزی حزب توده ایران
تلفن ۵۹۰۴
جای اداره: خیابان رانفال
جنب سفارت مشرق شماره ۱۰۲
ساخه ۲۵۰ ربال
بهای اشتراک فتن ماهه ۱۳۰ ربال
سه ماهه ۲۰ ربال
تئین بهای آگهی با دفتر اداره است
تک شماره سه یکریال بعد از
دوروز دو ربال

جنگجویان غیر نظامی شوروی

بینه از صنف اول
چند ساعت گذشت که شورویها با انگلیس
حله کردند و بدشمن تملات سکینی وارد
ساختند.
یک موفقیت دیگر
یک هواپیمای اکتشافی شوروی در
بشت شبه آلمانیا آسیب دیده و مجبوراً
بر زمین افتاد و بایشان مجروح گشت هنگامیکه
جنگجویان غیر نظامی ویرا جستند، او
بدانجا چند کارت داد و از آنها خواهش
نمود که دستگه مگاسی هواپیمای شکسته
اش را برای خود بردارند.
«راه آهن» زیر زمینی دوباره بر راه افتاد
وزیر بی بی آلمانیا مهلت و ادوات بچنگ
افتاد، در ظرف بیست و چهار ساعت دست
بدست گشت و قابل استفاده واقع گردید
راجح بطلان، بطلان نیز مدت یک
هفته پشت یک تپه تحت نظر یک خانم پرشک
مضی ماند تا آنکه کاملاً سالم گردید و
سپس بواحد خویش ملحق گشت.
یک تراغ فر مانده می کنند
گامگامی هم جنگجویان غیر نظامی
مستقیا بیکه واحد های منظم موفقیت
حاصل میکنند. چنین وضعیتی بکروز
موتاریه تئین گراد اتفاق افتاد.
آلمانیا میخواستند شورویها را از یک
قطعه محکم که در دست اینها بود بیرون
کنند. قبل از حله ابتداء بیجا خراب
کردن روحیه مدافعین با تپه تیر توپخانه
وارد عمل شدند و جنگل کوچکی را
که در جناح راست شورویها بود مورد
ببیرون قرار دادند.
شورویها برای نجات خود تنها یک
راه در نظر گرفتند و آن حله مقابله
شکستن تپه حله نزدیک دشمن بود تا
ضف نسبی خود را جبران کرده باشند
آخرین بار طرفانی از انتقام را بر سر
باقی مانده گان سر بزازان معور می بارند. ارتش
پیشوا یا بهتر بگوئیم بلیاننده ارتش شوروی
با این عقابت دچار خواهد گشت بطنی عقابت
بیش خواهد بود.
بلی بدین طریق جنگجویان غیر نظامی
شوروی آخرین نقش خود را بازی میکنند ا

دوروجه آلمانها موثر است
از شمال تا جنوب با سرخ شیبه
یکلره وسط روز تا نیمه شب مانده شبی
مرک آوری بر سرته میبیکه از خطوط ارتباطی
آلمانیا مطمئن نیست چه بسا که مانده
ساخته هر جا میرسد و پس از غرابکاری
بدون آنکه اثری از بای خود بگذارند تا بدید
می شوند غیر ممکن است که بتوان آنرا را
از روی رد یا باطلام دیگری پیدا کرد
و یا حتی اسم آنرا دریافت.
باین حرکات جنگجویان غیر نظامی
از لحاظ مادی دشمن را ضعیف تر میکنند
لیکن این ضعیف دوروجه نازیها سودار
است.
با این حال بنظر من هنوز اقدامات
موترو دست جمعی آنان شروع نشده و این
اقدامات هنگامی باشدت آغاز خواهد گشت
که آلمانیا قدرت کثرتی خود را کاملاً
از دست داده باشند. آبا در آموغ کدام
سرباز آلمان از خاک شوروی زنده بیرون
خواهد رفت، در آن هنگام جنگجویان غیر
نظامی از جنگلها بیرون می آیند و برای
آخرین بار طرفانی از انتقام را بر سر
باقی مانده گان سر بزازان معور می بارند. ارتش
پیشوا یا بهتر بگوئیم بلیاننده ارتش شوروی
با این عقابت دچار خواهد گشت بطنی عقابت
بیش خواهد بود.
بلی بدین طریق جنگجویان غیر نظامی
شوروی آخرین نقش خود را بازی میکنند ا

باشهر داری کمک کنید

- زیر اشهر داری مال شما است و کمک بکار
های شهر کمک بخودتان میباشد.
- ۱- رختهای خود را در جوپهای آب نشوئید.
 - ۲- شستن رخت در جوی آب هواقب و خیمی دارد.
 - ۳- با این کار لباس خود را تمیز کرده و شهری را آلوده نموده اید.
 - ۴- معایب بهداشتی این عمل را صاحب لباسها شاید بدانند ولی نو کرها و کلفتها و رختشویها نمیدانند.
 - ۵- با این عمل ظاهراً کوچک و بی اهمیتی که شستن لباس در جوی آب است صدمه و لطمه بزرگی بسلامتی خود و همشهریهای خود میزند.
 - ۶- هر کس را که دیدید لباس خود را در جوی آب میشوید خون سردی نکند فوراً با او نصیحت نمائید اگر نشنید فوراً پاسبان بسپارید.
- شهر داری تهران
۲۰۰ ش

ایران و دنیا

بینه از صنف اول
ملت در حین ادامه جنگ و سختتاک
کثرتی دودستی بسیار کم حاصل خود را
بهترین وجهی نشان داد.
این مثال چون مستند یک قطعه فیلم
جالب توجهی هم هست اکنون مورد
بست قرار گرفت زیرا جای هیچگونه
تردید و شککی را باقی نخواهد گذاشت.
نیز صورتیکه هزاران شهر و قصبه دیگر
در بارسرت فوق التصور بهتر از سابق
از آب درآمد.
چندی پیش شهر دیگری در اثر بر
هدردی کیش ساکتین جا شهر شوروی
نسبت باهالی استالین گراد انتشار یافت
و مشر بر این بود که هر موزه ای
برای ساختمان مسجد این شهر تخیل کرده
است که مواد اولیه و لوازم ساختن
ارسال دارد و حتی دیده شد که کارگری
از اهل بیرون از بیب خودش چند واگنی
زغال سنگ بیدان نامه حده داده است تا
آنکه بقدرت دست جمعی میلیونها ساکتین
شوروی شهری زیبا تر از سابق روی
ویرانه های کثرتی برآورد.
از سر صنف شوروی که قسمی فرانس
نهم فرستگما از این مناظر دور میشود
در دوره ای که کلیه ریزه خواران
ذیکتاتوری در مماله از توصیف
بزرگی حکومت با یکدیگر میباید
دورخ گونی میگذاشتند و حتی بکوفت چنین
میگفتند که دولت فرانس حاضر نیست
(ایران نو) را تحت توجهات عالیه بنشانند
و با آنکه اظهار میداشتند مگر مامانده
دول کوچک اروپا از قبیل فرانسه و بلویلک
و هلند پوشای مستیم ۱۰۰۰۰
(همان موقع شهرهای ایران و ایران
میگشت و فقط چند خیابان کوچ و موج
در تهران و بعضی از شهر هایکه مورد
توجه عالی بود و روی میگرفت اما در همین
تهران نیز اسان بنظاری هم بر خورد
مینمود که واقعا لایق همان عصر مضطرب
بشود.
چند سال است که خون ملت ایران
از راه (ایرانی شهرداری) بظلمت
عده مظنور و ازده رفته است و هنوز هم
اسکلت شوم این ساختمان «عالی» بر چشم
ملت تیر میزند و بیاسیرین دهن کبی
میکنند.
کبیت که از بولتها متوال کند که
ملت بنیاد نهادن چنین ساختمانی چه بود
و ملت تاثیر در ساختمان آن چیست
مردم میداند که ملت آن زیبایی
شهر و استفاده شهریان نبود بلکه مدهای
خواستند که از این راه میلیونر شوند و
شدند. خواستند خانه های زیبایی از بول
آن برای خود بسازند و ساختند.
از این بگلریم، خیابان سیرود
سایر خیابانهای جنوب شهر ساهاست که
جو موله دانی اسم دیگری را بنخوانند
آنها اباد اسفالت مک خیابان آهمه پس از
بیست سال گفت و شنود و تئیم تئود به
اندازه ساختمان یک شهر کالینت طول
کشیده و هنوز هم ناتمام مانده است.
۱۲ سال است که خانه های مردم را
در شیراز خراب کردند. عده ای را بی
خانمان نمودند تا بر ایشان خیابان بسازند
اکنون فقط اثری که از خیابان بودن این
غرابه پیداست گرد و خاک اتومبیلیهای
ایمان و اشراف است که بظلمت توده شهر
فرو میروند.
این قبیل مظلم «دهن» و سمرت
در مثل خوشبختانه هم جای ایران مشهور
است. حال علاج کار چیست و ممالا
سمرت کی بدبختی مترقی خواهیم رسید
معلوم نیست ا
لیکن هیئتدر پیداست که کف
(انزه که میرتیم فرکستان بود و بینه
تهرستان بود)